

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

طس ~ م (1)

طاس میم (1)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (2)

اینها اند آیت های کتاب روشن. (2)

لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (3)

شاید تو هلاک کننده نفس خود را، آنکه نمی شوند ایمان آورنده گان؟ (3)

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (4)

اگر بخواهیم ما فرو می فرستیم ما بر ایشان از آسمان نشانه ئی پس خم شود گردن های ایشان به آن تواضع کننده گان. (4)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (5)

و نمی آید به ایشان از پندی از جانب الرحمان نو آمده مگر می باشند از آن رو گردانان. (5)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (6)

پس به یقین به دروغ نسبت کردند پس به زودی بیاید به ایشان اخبار (عاقبت) آنچه که بودن د به آن تمسخر می کنند. (6)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (7)

آیا ندیدند به سوی زمین چقدر رویانیدیم ما در آن از هر جنس نیک؟ (7)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ صَلَّىٰ وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (8)

هر آینه در این البته نشانه است؛ و نبودند بسیاری ایشان ایمان آورنده گان. (8)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (9)

و هر آینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (9)

وَ إِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ - أَنْ أَنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (10)

و وقتی که ندا کرد پروردگار تو موسی را آنکه بیا (برو) قوم ستم گاران را. (10)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ، أَلَا يَتَّقُونَ (11)

قوم فرعون را. آنکه نمی کنند پرهیزگاری؟ (11)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ~ أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ (12)

گفت: پروردگار من هر آینه من می ترسم آنکه به دروغ نسبت دهند مرا. (12)

وَ يَضِيقُ صَدْرِي وَ لَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ هَارُونَ (13)

و تنگ می شود سینه من و نمی کند بیان واضح زبان من پس بفرست (پیغمبری را) به سوی هارون. (13)

وَ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ (14)

و برای ایشان بر من گناهی است پس می ترسم آنکه بکشند مرا. (14)

قَالَ كَلَّا لَمَلِي فَأَذْهَبَا بِأَيِّتِنَا مَلِي إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمْعُونَ (15)

گفت: هرگز چنین نباشد؛ پس بروید هر دو با نشانه های ما؛ هر آینه ما همراه شما شنونده گانیم. (15)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (16)

پس بیایید هر دو فرعون را پس بگوئید هر دو هر آینه ما فرستاده گان پروردگار جهانیانیم. (16)

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي ~ إِسْرَائِيلَ (17)

آنکه بفرست همراه ما بنی اسرائیل را. (17)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَ لَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (18)

گفت (فرعون): آیا نپروراندیم ترا در میان ما در طفلی و گذرانیدی تو در میان ما از عمر خود سال ها؟ (18)

وَ فَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَ أَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (19)

و کردی تو کار خود را آنچه کردی تو و توئی از ناسپاسان. (19)

قَالَ فَعَلْنَاهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (20)

گفت (موسی): کردم من آن را آنوقت و من (بودم) از گمراهان (بی خبران). (20)

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (21)

پس فرار کردم من از (پیش) شما چون ترسیدم از شما پس اعطا کرد برای من پروردگار من حکمی و ساخت مرا از پیغمبران. (21)

وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي ~ إِسْرَائِيلَ (22)

و این است نعمتی که منت می نهی آن را بر من آنکه غلام ساختی بنی اسرائیل را. (22)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَ مَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (23)

گفت فرعون: و چیست پروردگار جهانیان؟ (23)

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا أَهِيَ إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ (24)

گفت (موسی): پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان آن ها است؛ اگر هستید شما یقین آورنده گان؟ (24)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ- أَلَا تَسْتَمِعُونَ (25)

گفت (فرعون): برای کسانی که در دور او بودند آیا نمی شنوید؟ (25)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (26)

گفت (موسی): پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما. (26)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي- أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (27)

گفت (فرعون): هر آینه پیغمبر شما آنکه فرستاده شده به سوی شما البته دیوانه است. (27)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا أَهِيَ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (28)

گفت (موسی): پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان آن ها است؛ اگر هستید شما می فهمید. (28)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذَتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (29)

گفت (فرعون): البته اگر گرفتی معبودی دیگری از من البته بسازم ترا از زندانیان. (29)

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ (30)

گفت (موسی): اگر چه بیاورم پیش تو چیزی روشنی را. (30)

قَالَ فَاتِّبِعْ بِهِيَ- إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (31)

گفت (فرعون): پس بیاور آن را اگر هستی از راستگویان؟ (31)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (32)

پس انداخت (موسی) چوب دست خود را پس دفعتاً آن ازدهای آشکاری بود. (32)

و نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (33)

و بیرون آورد دست خود را پس دفعتاً آن سفید بود برای بیننده گان. (33)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ- إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (34)

گفت (فرعون) برای اشراف دور خود: هر آینه این (شخص) البته جادوگری دانائی است.

(34)

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (35)

می خواهد آنکه بیرون کند شما را از سرزمین شما با جادوی خود پس چه می فرمائید مرا؟

(35)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (36)

گفتند: به تأخیر بینداز او و برادرش را و بفرست در شهر ها، (مردم) جمع کننده گان را.

(36)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ (37)

تا بیایند به تو با همه جادوگران دانا. (37)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (38)

پس جمع کرده شد جادوگران به وقت تعیین شده روز معین. (38)

وَ قِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ (39)

و گفته شد برای مردم: آیا شما جمع شونده گانید؟ (39)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعَ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (40)

تا باشد ما پیروی کنیم جادوگران را اگر باشند ایشان غالبان. (40)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَا لِأَجْرٍ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (41)

پس چون آمدند جادوگران گفتند برای فرعون: آیا هر آئینه باشد برای ما از مزدی اگر شویم

ما غالبان؟ (41)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (42)

گفت (فرعون): بلی و هر آئینه شما آنوقت باشید از نزدیکان. (42)

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلقُونَ (43)

گفت برای ایشان موسی: بیافکنید آنچه شما افکننده اید. (43)

فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (44)

پس افکندند ریسمان های شان را و چوب های دست های شان را و گفتند: به عزت فرعون

هر آئینه ما البته ما غالبانیم. (44)

فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (45)

پس افکند موسی چوب دست خود را پس دفعناً آن به سرعت فرو می بُرد آنچه به دروغ می

آوردند. (45)

فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجْدِينَ (46)

پس افتادند جادوگران سجده کنان. (46)

قَالُوا أَمَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (47)

گفتند: ایمان آوردیم ما به پروردگار جهانیان. (47)

رَبِّ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ (48)

پروردگار موسی و هارون. (48)

قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۗ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۗ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِمَّنْ خَلْفٍ ۖ وَأَصْلَابَكُمْ أَجْمَعِينَ (49)

گفت (فرعون): ایمان آوردید برای او پیش آنکه اجازه بدهم برای شما؛ هر آینه او البته رهبر (استاد) شما است آنکه آموخته است شما را جادوگری را پس البته به زودی می دانید. البته بپریم دست های شما را و پا های شما را از جوانب مختلف و البته بر دار بکشم شما را همه یکجا. (50)

قَالُوا لَا ضَيْرَ ۗ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (50)

گفتند: نیست زیان؛ هر آینه ما به سوی پروردگار ما بر گرده ننده گانیم. (50)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا ۗ أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (51)

هر آینه ما توقع داریم آنکه بیامزد برای ما پروردگار ما گناه های ما را (به سبب) آنکه باشیم اولین ایمان آورنده گان. (51)

وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ ۖ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي ۖ إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ (52)

و وحی فرستادیم ما به سوی موسی آنکه بپر به شب بنده گان مرا هر آینه شما تعقیب کرده می شوید. (52)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (53)

پس فرستاد فرعون در شهر ها جمع کننده گان را. (53)

إِنَّ هِيَ ۖ وَأَلَاءَ لَشِرْذِمَةً قَلِيلُونَ (54)

هر آینه اینها البته گروهی (ناچیز و بی اهمیتی) اندک اند. (54)

وَ إِنَّهُمْ لَنَا لِعَائِتُونَ (55)

و هر آینه ایشان برای ما البته به خشم آورنده گانند. (55)

وَ إِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ (56)

و هر آینه ما البته جماعت های با احتیاطیم. (56)

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّتٍ وَ عُيُونٍ (57)

پس بیرون آوردیم ما ایشان را از بوستان ها و چشمه ها. (57)

وَ كُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ (58)

و خزانه ها و جای نیک. (58)

كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (59)

این چنین و میراث دادیم آن ها را (گنج ها و جا های نیک را) بنی اسرائیل را. (59)
فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ (60)

پس تعقیب کردند ایشان را وقت اشراق درآمده. (60)

فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ (61)

پس چون دیدند دو گروه (یکدیگر را)، گفت همراهان موسی: هرآینه ما البته گرفتار شده
گانیم. (61)

قَالَ كَلَامِي إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (62)

گفت (موسی): هرگز چنین نباشد؛ هرآینه همراه من است پروردگار من، به زودی رهنمائی
می کند مرا. (62)

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ (63)

پس وحی فرستادیم ما به سوی موسی آنکه بزن به چوب دست خود بحر را؛ پس (بحر) جدا
شد پس بود هر بخشی مانند کوه بزرگی. (63)

وَ أَرْزَلْنَا تَمَّ الْأَخْرِينَ (64)

و نزدیک آوردیم ما آنجا دیگران را. (64)

وَ أَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَ مَنْ مَعَهُ ۖ أَجْمَعِينَ (65)

و نجات دادیم ما موسی را و کسان همراه او را همه یکجا. (65)

ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ (66)

باز غرق کردیم ما دیگران را. (66)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ لِّأَيِّكُمْ وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (67)

هرآینه در این البته نشانه است؛ و نبود بسیاری ایشان ایمان آورنده گان. (67)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (68)

و هرآینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (68)

وَ اتُّلِّ عَلَيْهِمْ نَبَأُ إِبْرَاهِيمَ (69)

و بخوان بر ایشان خبر ابراهیم را. (69)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (70)

وقتی که گفت برای پدر خود و قوم خود: چه را می پرستید؟ (70)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ (71)

گفتند: می پرستیم بتانی را پس می باشیم برای آنها مجاورت کننده گان. (71)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكَ إِذْ تَدْعُونَ (72)

گفت: آیا می شنوند شما را چون می خوانید؟ (72)

أَوْ يَنْفَعُونَكَ أَوْ يَضُرُّونَ (73)

یا سودی می رسانند شما را یا زیان می رسانند؟ (73)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (74)

گفتند: بلکه یافتیم ما پدران خود را مانند این کننده گان. (74)

قَالَ أَمْ فَأَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (75)

گفت: آیا پس دیدید شما آنچه هستید شما می پرستید؟ (75)

أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ (76)

شما و پدران پیشین شما. (76)

فَأِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي - إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (77)

پس هر آینه ایشان دشمنانند برای من مگر پروردگار جهانیان. (77)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (78)

آنکه آفرید مرا پس او رهنمائی می کند مرا. (78)

وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِي (79)

و آنکه او غذا می خوراند مرا و می نوشاند مرا. (79)

وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي (80)

و وقتی که بیمار شوم پس او شفا می دهد مرا. (80)

وَ الَّذِي يُمَيِّنُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي (81)

و آنکه می میراند مرا باز زنده می سازد مرا. (81)

وَ الَّذِي - أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (82)

و آنکه توقع می کنم آنکه بیامرزد برای من گناه مرا روز جزا. (82)

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (83)

پروردگار من اعطاء کن برای من هوشیاری و یکجا بساز مرا با شایسته کاران. (83)

وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (84)

و بساز برای من زبان نیک در نسل های آینده. (84)

- وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (85)
و بساز مرا از وارثان بهشت با نعمت. (85)
وَ اغْفِرْ لِأَبِي - إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (86)
و بیامرز برای پدر من هر آینه او است از گمراهان. (86)
وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُنْعَثُونَ (87)
و نساز خوار مرا روزی که دوباره زنده می شوند (همه مخلوقات). (87)
يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ (88)
روزی که نمی دهد سود دارائی و نه فرزندان. (88)
إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (89)
مگر آنکه آمد به پیش خدا با قلب بی عیب (از بیماری شرک و کفر و نفاق). (89)
وَ أَرْزَقْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ (90)
و نزدیک گردانیده شود بهشت برای پرهیزگاران. (90)
وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (91)
و آشکار گردانیده شود دوزخ برای گمراهان. (91)
وَ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (92)
و گفته شد (شود) برای ایشان کجا است آنچه بودید شما می پرستیدید؟ (92)
مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ (93)
از غیر خدا، آیا یاری می دهند شما را یا خود ها را مدد می کنند؟ (93)
فَكُذِّبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْعَاوِينَ (94)
پس سرنگون انداخته شوند در دوزخ ایشان و گمراهان. (94)
وَ جُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (95)
و لشکر های شیطان همه یکجا. (95)
قَالُوا وَ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (96)
گفتند: و ایشان در آن جا گفتگو می کنند. (96)
تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (97)
قسم به خدا هر آینه بودیم ما البته در گمراهی آشکار. (97)
إِذْ نَسَوْنَا رَبَّ الْعَالَمِينَ (98)

چون برابر می ساختیم ما شما را با پروردگار جهانیان. (98)
وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (99)

و نکرد گمراه ما را مگر بد کاران. (99)
فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ (100)

پس نیست برای ما از شفاعت کننده گان. (100)
و لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (101)

و نه دوست صمیمی. (101)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (102)

پس اگر آنکه باشد برای ما بازگشتی پس شویم از ایمان آورنده گان. (102)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ هُوَ مُؤْمِنٌ (103)

هر آئینه در این البته نشانه است؛ و نبود بسیاری ایشان ایمان آورنده گان. (103)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (104)

و هر آئینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (104)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (105)

به دروغ نسبت کرد قوم نوح پیغمبران را. (105)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (106)

چون گفت برای ایشان برادر ایشان نوح: آیا نمی کنید پرهیزگاری؟ (106)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (107)

هر آئینه من برای شما پیغمبر قابل اعتمادم. (107)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (108)

پس پرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (108)

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (109)

و نمی طلبم از شما بر آن از مزدی؛ نیست مزد من بر پروردگار جهانیان. (109)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (110)

پس پرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (110)

قَالُوا ~ أ نُوْمِنُ لَكَ وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ (111)

گفتند: آیا ایمان بیاوریم ما برای تو و پیروی کردند ترا پائین ترین ها؟ (111)

قَالَ وَ مَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (112)

گفت (نوح): و نیست دانش مرا به آنچه بودند می کردند. (112)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي مَلِيَ لَوْ تَشْعُرُونَ (113)

نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من؛ اگر درک می کنید؟ (113)

وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ (114)

و نیستم من دور کننده ایمان آورنده گان را. (114)

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (115)

نیستم من مگر بیم دهنده آشکار. (115)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَنُوحُ لَنَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (116)

گفتند البته اگر پایان ندهی ای نوح البته باشی از سنگسار شده گان. (116)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ (117)

گفت: پروردگار من! هرآئینه قوم من به دروغ نسبت کردند مرا. (117)

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَتْحًا وَ نَجِّنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (118)

پس فیصله کن میان من و میان ایشان فیصله ئی و نجات ده مرا و کسانی را که همراه من

اند از ایمان آورنده گان. (118)

فَأَنْجِنِيهِ وَ مَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (119)

پس نجات دادیم ما او را و کسان همراه او در کشتی پر کرده شده. (119)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ (120)

باز غرق ساختیم ما بعد آن باقی مانده گان را. (120)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ مَلَئَتْهُ مِنَ الْأَعْيُنِ (121)

هرآئینه در این البته نشانه است؛ و نبود بسیاری ایشان ایمان آورنده گان. (121)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (122)

و هرآئینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (122)

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ (123)

به دروغ نسبت کرد عاد پیغمبران را. (123)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (124)

چون گفت برای ایشان برادر ایشان هود: آیا نمی کنید پرهیزگاری؟ (124)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (125)

هر آئینه من برای شما پیغمبر قابل اعتمادم. (125)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (126)

پس بپرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (126)

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ صلى إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (127)

و نمی طلبم از شما بر آن از مزدی؛ نیست مزد من بر پروردگار جهانیان. (127)

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (128)

آیا بنا می کنید به هر سطح بلند نشانه ئی، می کنید خوشگذرانی؟ (128)

وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (129)

و می گیرید محل های استوار، تا باشد شما جاوید مانید؟ (129)

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (130)

و وقتی که دست می گشائید، دست می گشائید ستم گارانه. (130)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (131)

پس بپرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (131)

وَ اتَّقُوا الَّذِي - أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ (132)

و بپرهیزید (از خشم) آنکه یاری داد شما را به آنچه می دانید. (132)

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَ بَيْنَ (133)

یاری داده است شما را با چهار پایان و فرزندان. (133)

وَ جَدَّتِ وَ عُيُونِ (134)

و بوستان ها و چشمه ها. (134)

إِنِّي - أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (135)

هر آئینه من می ترسم بر شما عذاب روز بزرگ را. (135)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَّعْتُمْ أَمْ لَمْ تُكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ (136)

گفتند: برابر است بر ما که آیا پند دهی تو یا نباشی از پند دهنده گان. (136)

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ (137)

نیست این مگر شیوه و عادت پیشینیان. (137)

وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ (138)

و نیستیم ما عذاب شونده گان. (138)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ^ق إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ^{صلى} وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (139)

پس به دروغ نسبت کردند او را پس هلاک کردیم ما ایشان را. هر آئینه در این البته نشانه است؛ و نبود بسیاری ایشان ایمان آورنده گان. (139)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (140)

و هر آئینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (140)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (141)

به دروغ نسبت کرد ثمود پیغمبران را. (141)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (142)

چون گفت برای ایشان برادر ایشان صالح: آیا نمی کنید پرهیزگاری؟ (142)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (143)

هر آئینه من برای شما پیغمبر قابل اعتمادم. (143)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ (144)

پس بپرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (144)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ^{صلى} إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (145)

و نمی طلبم از شما بر آن از مزدی؛ نیست مزد من بر پروردگار جهانیان. (145)

أَتُنذِرُونَ فِي مَا هُنَّآءِ آمِنِينَ (146)

آیا گذاشته می شوید در آنچه اینجا است آرامان (به صلح و آرامش)؟ (146)

فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ (147)

در بوستان ها و چشمه ها؟ (147)

و زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (148)

و کشتزار ها و درختان خرما، چوب های شگوفه آنها نرم و شاداب؟ (148)

وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ (149)

و می تراشید از کوه ها خانه ها را ماهرانه گان. (149)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ (150)

پس بپرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (150)

وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (151)

و نکنید فرمان برداری دستور از حد گذرندگان را. (151)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ (152)

آنانکه می کنند فساد در زمین و نمی کنند اصلاح کاری. (152)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (153)

گفتند: جز این نیست که تو از جادو کرده شده گانی. (153)

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (154)

نیستی تو مگر انسانی مانند ما، پس بیا با نشانه ئی اگر هستی تو از راست گویان؟ (154)

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (155)

گفت: این است ماده شتری برای او است (سهمی از) آب خوردن و برای شما است (سهمی

از) آب خوردن روز معینی. (155)

و لَا تَمْسُوهَا بِسَوْءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (156)

و تماس نکنید او را با ضرری پس بگیرد شما را عذاب روز بزرگ. (156)

فَعَفَّوْهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ (157)

پس پی زدند (کشتند) او را پس صبح کردند پشیمانان. (157)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ قُلَىٰ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ هُوَ مُؤْمِنٌ (158)

پس گرفت ایشان را عذاب. هر آینه در این البته نشانه است؛ و نبود بسیاری ایشان ایمان

آورنده گان. (158)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (159)

و هر آینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (159)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ (160)

به دروغ نسبت کرد قوم لوط پیغمبران را. (160)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ (161)

چون گفت برای ایشان برادر ایشان لوط: آیا نمی کنید پرهیزگاری؟ (161)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (162)

هر آینه من برای شما پیغمبر قابل اعتمادم. (162)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (163)

پس بپرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (163)

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (164)

و نمی طلبم از شما بر آن از مزدی؛ نیست مزد من بر پروردگار جهانیان. (164)

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (165)

آیا می‌آنید (نزدیکی به شهوت می‌کنید) مردان را از جهانیان؟ (165)

وَ تَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (166)

و می‌گذارید آنچه آفریده است برای شما پروردگار شما از زنان شما. بلکه شما گروهی از حد گذشته گانید. (166)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ (167)

گفتند: البته اگر پایان ندهی ای لوط البته باشی از تبعید شده گان. (116)

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ (168)

گفت: هرآئینه من برای کردار شما از نفرت دارنده گانم. (168)

رَبِّ نَجِيٍّ وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ (169)

پروردگار من نجات ده مرا و خانواده مرا از آنچه می‌کنند. (169)

فَنَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ - أَجْمَعِينَ (170)

پس نجات دادیم ما او را و خانواده او را همه یکجا. (170)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْعَبْرِينَ (171)

مگر پیر زنی در باقی مانده گان. (171)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ (172)

باز از بین بردیم ما دیگران را. (172)

وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (173)

و بارانیدیم ما بر ایشان بارانی؛ پس بد بود باران بیم داده شده گان. (173)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ لِيُذَكَّرَ الْمُؤْمِنِينَ (174)

هرآئینه در این البته نشانه است؛ و نبود بسیاری ایشان ایمان آورنده گان. (174)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (175)

و هرآئینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (175)

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ (176)

به دروغ نسبت کرد باشندگان آیکه پیغمبران را. (176)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (177)

چون گفت برای ایشان شعیب: آیا نمی‌کنید پرهیزگاری؟ (177)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (178)

هرآئینه من برای شما پیغمبر قابل اعتمادم. (178)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (179)

پس بپرهیزید (خشم) خدا را و فرمان برداری کنید مرا. (179)

وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ صلى إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ (180)

و نمی طلبم از شما بر آن از مزدی؛ نیست مزد من بر پروردگار جهانیان. (180)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (181)

به تمام بدهید پیمان را و نباشید از زیان رساننده گان. (181)

وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (182)

وزن کنید به ترازوی راست. (182)

وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (183)

و نکاهید مردم را چیز های ایشان را و نکنید بدی در زمین فساد کننده گان. (183)

وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْجِبِلَّةَ الْأُولَىٰ (184)

و بپرهیزید (از خشم) آنکه آفرید شما را و نسل های پیشین را. (184)

قَالُوا - إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (185)

گفتند: جز این نیست که تو از جادو کرده شده گانی. (185)

وَ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَ إِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (186)

و نیستی تو مگر انسانی مانند ما و هر آئینه ما می پنداریم ترا البته از دروغ گویان. (186)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (187)

پس فرو ریز بر ما قطعاتی از آسمان اگر هستی از راست گویان؟ (187)

قَالَ رَبِّي - أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (188)

گفت: پروردگار من دانا تر است به آنچه می کنید. (188)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (189)

پس به دروغ نسبت کردند او را پس گرفت ایشان را عذاب روز سایه. هر آئینه آن بود عذاب

روزی بزرگی. (189)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً صلى وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ (190)

هر آئینه در این البته نشانه است؛ و نبود بسیاری ایشان ایمان آورنده گان. (190)

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (191)

و هر آئینه پروردگار تو البته او است غالب، با رحم. (191)

وَ إِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (192)

- و هر آئینه آن (قرآن) است البته فرورستاده پروردگار جهانیان. (192)
- نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (193)
- فرود آمد با آن روح الامین (جبرئیل). (193)
- عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (194)
- بر قلب تو تا باشی از بیم دهنده گان. (194)
- بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ (195)
- به زبان عربی روشن. (195)
- وَ إِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (196)
- و هر آئینه (خبر) آن البته در صحیفه های پیشینیان است. (196)
- أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (197)
- آیا نیست برای ایشان نشانه آنکه می داند (خبر) آن را دانشمندان بنی اسرائیل؟ (197)
- وَ لَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (198)
- و اگر فرود می فرستادیم ما آن را بر بعضی (فردی) از غیر عرب ها. (198)
- فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (199)
- پس می خواند آن را بر ایشان نمی بودند به آن ایمان آورنده گان. (199)
- كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (200)
- همچنین در می آوریم آن را در دل های بد کاران. (200)
- لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (201)
- نمی آورند ایمان به آن تا اینکه ببینند عذاب درد دهنده را. (201)
- فَيَأْتِيهِمْ بَعْتَةٌ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (202)
- پس بیاید به ایشان (عذاب) ناگهانی و ایشان درک نمی کنند. (202)
- فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (203)
- پس گویند: آیا ما مهلت داده می شویم؟ (203)
- أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (204)
- آیا پس عذاب ما را به شتاب طلب می کنند؟ (204)
- أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (205)
- آیا پس دیدی اگر بهره مند سازیم ما ایشان را سال ها. (205)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ (206)

باز آمد ایشان را آنچه بودند وعده داده می شدند. (206)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (207)

نمی کند دفع از ایشان آنچه بودند بهره مندی داده می شدند. (207)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (208)

و نکرديم هلاک ما از شهری مگر برای آن بیم دهنده گان (بودند). (208)

ذِكْرَىٰ وَا مَا كُنَّا ظَالِمِينَ (209)

یاد آوری و نبودیم ما ستم گاران. (209)

وَمَا نَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ (210)

و نیاورده فرود آن را شیطان ها. (210)

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَا مَا يَسْتَطِيعُونَ (211)

و نیست شایسته برای ایشان و نمی توانند. (211)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ (212)

هرآئینه ایشان از شنیدن البته محروم شده گانند. (212)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (213)

پس نخوان همراه خدا معبود دیگری پس باشی از عذاب شده گان. (213)

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (214)

و بیم ده خویشاوندان خود را نزدیکان. (214)

وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (215)

و پائین کن بال خود را (مهربانی کن) برای آنانکه پیروی کردند ترا از ایمان آورنده گان.

(215)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (216)

پس اگر نافرمانی کردند ترا پس بگو: هرآئینه من بیگناه ام از آنچه می کنید. (216)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (217)

و اعتماد کن بر غالب، با رحم. (217)

الَّذِي يَرَبُّكَ حِينَ تَقُومُ (218)

آنکه می بیند ترا وقتیکه ایستاده می شوی. (218)

وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِينَ (219)

و حرکت ترا در میان سجده کنان. (219)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (220)

هر آینه او است او شنوا، دانا. (220)

هَلْ أَنْبَأَكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيْطَانُ (221)

آیا خبر دهم شما را بر کسی که فرود می آید شیطان ها؟ (221)

تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ (222)

فرود می آید بر هر دروغگوی گناه کار. (222)

يُلْفُونَ السَّمْعَ وَ أَكْثَرُهُمْ كَذِبُونَ (223)

می دهند گوش و بسیاری ایشان دروغگویانند. (223)

وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (224)

و شاعران پیروی می کنند ایشان را گمراهان. (224)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (225)

آیا ندیدی آنکه ایشان در هر دره سرگردان می روند؟ (225)

وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (226)

و آنکه ایشان می گویند آنچه نمی کنند. (226)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا أُولَٰئِكَ سَيَعْلَمُونَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (227)

مگر آنانکه ایمان آوردند و کردند کار های شایسته و یاد کردند خدا را بسیار و مدد کردند (دفاع کردند خود ها را) از بعد آنکه ستم کرده شدند. و به زودی می دانند آنانکه ستم کردند که به کدام برگشتی بر می گردند. (227)